

مفهوم شناسی جمال و جلال در معماری اسلامی از دو دیدگاه ادراک و تجلی *

Understanding the Glory and Beauty in the Islamic Architecture based on Perception and Theophany Approaches

محمد علی سیستانی **Mohamad Ali Sistani**

نویسنده مسئول مکاتبات، دانشجوی دکترای معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران Mohamad.sistani@iauk.ac.ir

Ph.D Student, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

نشانی: کرمان، بلوار ولی عصر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی،

تلفن: ۰۳۴۳۱۳۲۱۲۳۱، همراه: ۰۹۱۳۳۴۰۳۰۶۴، کد پستی: ۷۶۳۵۱۳۱۱۶۷

Address: Department of Art, Architecture and urban development, Islamic Azad University, Kerman Branch, Valiasr Blvd, Kerman, Iran.

Phone Number: (+98)-34-31321231 Mobile: 09133403064 Fax: (+98)-34-31320051 Post Code: 7635131167

آزاده شاهچراغی^۱ **Azade Shahcheraghi**

نویسنده مسئول، دانشیار معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

shahcheraghi@srbiau.ac.ir

Associate Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

حمید ماجدی **Hamid Majedi**

استاد شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

majedi_h@yahoo.com

Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکترای محمد علی سیستانی با عنوان «چیستی جلال و جمال در شکل دهی به معماری از دیدگاه ادراک فضا» است که در دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، در حال انجام است.

^۱ نویسنده مسئول shahcheraghi@srbiau.ac.ir

مفهوم شناسی جمال و جلال در معماری اسلامی از دو دیدگاه ادراک و تجلی

چکیده:

بحران هویت و فقدان مبانی نظری مشخص در ساخت بناهای مذهبی که ریشه در معانی عمیق اندیشه اسلامی داشته باشد، یکی از چالش های معماری امروز ایران است. فقدانی که نه تنها در فرآیند آفرینش معماری که در شناخت و مداخله در بناهای گذشته نیز نتایج نامطلوبی به بار آورده است. بنابراین تحقیق بیشتر در مفاهیمی همچون جمال و جلال که هم در ماهیت آثار معماری و هم در ادراک آنها، قابل بازشناسی هستند، لازم می نماید. با توجه به اینکه جمال و جلال ذیل موضوع زیبایی بررسی شده اند، ابتدا تدوین یک چارچوب نظری مشخص که دو دیدگاه متفاوت به زیبایی را بیان نماید، انجام شد. مقولات زیبایی شناسانه که جمال و جلال مستخرج از آنها تعریف شده اند، در گام بعدی مورد تدقیق قرار گرفت. سپس مفهوم شناسی جمال و جلال ذیل دوگانه بدست آمده از چارچوب نظری، انجام پذیرفت. این بخش از مفاهیم کیفی و مباحث نظری محض آغاز شد و در نهایت به نتایج کمی- کیفی در معماری رسید. در انتها، پارامترهای مشخصی بیان شد که مشخص می کند جمال و جلال تجلی چه صفاتی هستند و از سویی چه تاثیری بر مخاطب می گذارند. تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی است و از حیث راهبرد در دسته ی تحقیقات توصیفی- تحلیلی قرار می گیرد. ضمن اینکه روش های تحقیق تحلیلی-تاریخی نیز، بویژه آنجا که بناهایی از گذشته مورد استناد قرار گرفته اند، استفاده شده است. گردآوری اطلاعات در حوزه ی تئوری با مطالعات کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری، انجام شده است.

اهداف مقاله:

۱- تبیین جایگاه جمال و جلال در رویکردهای متفاوت به زیبایی شناسی اسلامی

۲- دستیابی به چگونگی تحقق جمال و جلال در معماری اسلامی

سوالات مقاله:

۱- جایگاه جمال و جلال ذیل موضوع زیبایی در عالم اسلام، از چه رویکردهایی قابل تبیین است؟

۲- جمال و جلال چگونه در معماری اسلامی محقق می شوند؟

واژگان کلیدی:

زیبایی، تجلی، ادراک، جمال، جلال.

Understanding the Glory and Beauty in the Islamic Architecture based on Perception and Theophany Approaches

Abstract

The identity crisis and the lack of specific theoretical basis in the religious buildings which rooted in the deep meanings of the Islamic thought, is one of today's challenges of contemporary Iran architecture. The lack of theoretical basis which has resulted undesirable conclusions, not only in the architecture creating process, also in recognition and reconstruction of traditional buildings. Therefore it is necessary to research the concepts like glory and beauty, which are recognized either in the essence of buildings and their perception by users. Given that the glory and beauty have been studied under the aesthetic subject, at first a specific theoretical framework which express two various perspectives about beauty was formulated. Secondly, The aesthetic categories that glory and beauty extracted from it, have been scrutinized. Then two concepts of the glory and beauty under duality obtained from the theoretical framework was conceptualized. This part were started by the qualitative concepts and absolute theoretical discussions then continued up to the qualitative-quantitative results in architecture. Finally, the specific parameters were explained that determine the glory and beauty are Manifestation of which features and also how affect the audience. The present research is an applied research, that strategically categorized on the analytical- descriptive researches. Additionally the analytical-historical research methods, especially when the old buildings have been documented, was used. In the theoretical field, The data was collected by the librarian studies and indexation tools.

The paper's goals:

- 1-Explaining the position of glory and beauty in the various approaches to the Islamic aesthetics
- 2-Approaching how the realization of the glory and beauty in the Islamic architecture.

The paper's questions

- 1- How can explain the position of glory and beauty under the aesthetic subject in the world of Islam?
- 2- How can the glory and beauty realized in the Islamic Architecture?

Key words:

Aesthetic, Theophany, Perception, Beauty, Glory

مقدمه

فقدان مطالعات مدون، چه در فرآیند آفرینش معماری و بطور خاص خلق بنا های مذهبی و چه در بازشناسی آثار گذشتگان، مسئله ایست که از یک سو منجر به ساخت بنا هایی خالی از معانی ژرف برخاسته از تفکر اسلامی می شود. از سوی دیگر مداخله هایی بدون شناخت عمیق، در میراث معماری پیشینیان رخ می دهد که اصالت و روح آن فضاها را از بین می برد. مسئله از دو زاویه قابل تامل است، نخست اینکه بنا هایی که ساخته می شوند یا بنا های ساخته شده ای که مورد مداخله قرار می گیرند، باید واجد چه مفاهیمی باشند و دوم اینکه چه تاثیری در مخاطب ایجاد کنند. مساجد، آرامگاه ها و بقعه ها مهمترین بناهایی هستند که در این فقدان نظریه، روح و اصالت خود را از دست می دهند. «جمال و جلال» از مهمترین مفاهیمی هستند که در این فرآیند ساخت و بازشناسی مغفول مانده اند. بنابراین، مقاله حاضر بر آن است تا این دو مفهوم را مورد تدقیق بیشتر قرار دهد. مفهوم شناسی جمال و جلال و جایگاه آنها در هنر و معماری با مطالعه سوابق موضوع، آغاز می شود. سپس، برای تدوین چارچوب نظری، این فرضیه که «جمال و جلال در رویکردهایی دوگانه ای به موضوع زیبایی، قابل تبیین و بازشناسی هستند»، مورد بررسی قرار می گیرد و پس از آن فرضیه اصلی پژوهش که «جمال و جلال بعنوان تجلی صفات حق تعالی از طریق مولفه های کالبدی مشخص و با تاثیر ادراکی متفاوت، در معماری محقق می شوند».

در مطالعه سوابق موضوع، تالیفات ابن عربی بویژه در کتاب فتوحات مکیه، که جمال و جلال را ذیل موضوع تجلی شرح داده است، همواره بعنوان مهمترین منبع، مورد استفاده پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است.

در حوزه مفهوم شناسی، راهب عارف مینا آباد (۱۳۹۱) در مقاله «صفات جمال و جلال از منظر کلام و عرفان اسلامی» فارغ از وجه هنری و زیباشناسانه جمال و جلال، تنها به واژه شناسی، اصطلاح شناسی و تبیین و تفسیر مفاهیم جمال و جلال پرداخته است و آنها را در بستر قرآن، تفاسیر، متون اسلامی و در نهایت عرفان اسلامی؛ کاوش نموده است (عارف میناآباد ۱۳۹۱).

در گستره ادبیات فارسی، مقاله هادی خدیور و رجب توحیدیان (۱۳۹۰) با عنوان «تجلی جمال و جلال در دیوان حافظ» ضمن شرح مفهوم تجلی، جمال و جلال از منظر زیبایی شناسی در شعر حافظ بررسی شده اند و صفات متضمن این مفاهیم بیان شده اند. واژگانی مانند قهر، ظلمت، خزان، عتاب، جنگ، قضا و شب مظاهر جلالی و اطلاعاتی چون بهار، صبا، ازل، ساقی، طبیب، پیر، خضر و آب حیات؛ نماد های صفت جلال، شناخته شده اند.

در هنر زهرا رهنورد (۱۳۸۶) و زهرا پاکزاد (۱۳۹۰) جمال و جلال را در نگارگری ایرانی مورد بررسی قرار داده اند و بر اساس نظریه تجلی ابن عربی، که همه چیز بعنوان آئینه حق؛ زیبا انگاشته شده است، آن دو را بدون یکدیگر متصور ندانسته اند. جلال که تجلی هیبت و خشم و خشونت است با صورت های جمالی تصویر شده است و بصورتی زیبا ظاهر می شود. با استفاده از تعبیر متناقض نمایی همچون دیوان خوش منظر، ماران نیکو چهره، قاتلان منزه و اژدهایان خوش سیما (رهنورد ۱۳۸۶)، جمال در جلال شرح داده می شود. در پرتوی نظریه تجلی، زشتی، خشونت، قهر، غضب و شر، عناصر بصری خود را از زیبایی نهفته در روند تجلی کسب می کنند و به صورتی زیبا ظاهر می شوند (پاکزاد ۱۳۹۰).

مهناز شایسته فر (۱۳۸۵) در مقاله «جلال در جمال، تأثیر سیره پیامبر بر هنر نگارگری و معماری»، هنر اسلامی را هنری مجرد می داند که حاوی نماد است و در مقابل تجسم گرایی قرار دارد و معانی والای روحانی را انتقال می

دهد. معماری و خوشنویسی را بیشتر واجد معانی عرفانی و والا می داند که با رمز گرایی و انتقال معانی از طریق نمادهای تصویری، این مهم صورت می پذیرد (شایسته فر ۱۳۸۵).

در حوزه زیبایی شناسی، تالیفات «حکمت الله ملاصالحی» سر آغازی بر این موضوع در هنر و معماری است. وی جمال و جلال را تحت عنوان مقولات استحسانی (زیبایی شناسانه) در نوشته های بسیاری شرح داده است و جمال و جلال را در ردیف مقولات زیبایی شناسانه ای چون ظرافت، لطف، زشتی، ملاحظت، تراژیک و کمیک قرار داده است. مقالاتی همچون: مقوله جمال و جلال در هنرهای تجسمی (۱۳۷۳)، جمال و جلال در هنر (۱۳۷۳)، معماری و صور جلالی (۱۳۷۵)، صور جلالی در معماری اسلامی ایران (۱۳۷۷)، مقوله زیبایی شناسی ظرافت و برخی از صور آن در هنر دوره صفویه (۱۳۸۵)، که در آنها به تبیین کیفیات عینی و کالبدی و تاثیرات ادراکی جمال و جلال با ذکر مصادیق در انواع هنرها، پرداخته است.

ندا سلیمیان در پایان نامه «تجلی صفات جلالیه و جمالیه ی خداوند در نقوش مسجد جامع عباسی اصفهان» (۱۳۹۱) ضمن بررسی مفهوم صفات جلالیه و جمالیه خداوند از دیدگاه قرآن، فلسفه و عرفان، تجلی آنها را در نقوش مسجد، کاوش نموده است. نقوش هندسی بیانگر صفات جلالیه ی خداوند و نقوش اسلیمی بیانگر صفات جمالیه ی خداوند است. خوشنویسی کتیبه ها نشان دهنده ی صفات جلالیه و جمالیه است. همان طور که صفات جلال و جمال خدا با یکدیگر هماهنگی دارند و لازم و ملزوم یکدیگرند، این ویژگی در نقوش هندسی و اسلیمی نیز به تجلی در آمده است.

سمانه جعفر محمدی و مجتبی انصاری (۱۳۹۴) در مقاله «زیبایی شناسی (کمال و جمال) در معماری» ضمن بسط مفهوم زیبایی و بررسی آن در مکاتب مختلف فکری اسلامی و بحث در مورد زیبایی شناسی در معماری، در نهایت به زیبایی جمالی و جلالی در معماری می رسند. در این مقاله تاکید می شود که منبع زیبایی خداست، خداوندی که صاحب جلال و اکرام است و در عین حال جمیل است و جمال را دوست دارد. معمار مسلمان با آگاهی از این موضوع، طرح خود را بر پایه جمال، جلال و در نهایت کمال؛ بنا می نهد. نقوش و تزیین از نمادهای جمالی اند. در حالی که کشش و ابعاد سطوح و کمپوزیسیون احجام، جلال را نشان می دهند.

حمزه نژاد و خراسانی مقدم (۱۳۹۱) در مقاله «گونه شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال» با تدوین معیارهایی از قبیل نقش فضای درونی در پذیرش زائر، نوع مصالح و سلسله مراتب فضایی، مزارها را به سه دسته تشبیهی- جمالی و تنزیهی- جلالی و ترکیبی جمالی- جلالی و تشبیهی- تنزیهی (میان آن دو) تقسیم نموده اند. مزارهای جمالی کیفیاتی همچون مصالح فاخر و متنوع، تزیینات زیاد، گچبری، آئینه کاری، طلاکاری، نقاشی و کاشی هفت رنگ دارند و حس عطوفت، مهربانی، صمیمیت و وابستگی را ایجاد می کنند. در مقابل مزارهای جلالی واجد ویژگی هایی همچون سادگی، عدم سلسله مراتب فضایی، تنوع حداقلی مصالح، حداقل تزیینات، بافت زبر و مات، آجرکاری ساده و کاشی کاری کلی هستند و احساس صلابت، هیبت و ترس را در مخاطب ایجاد می کنند. (حمزه نژاد و خراسانی ۱۳۹۱)

در مقاله خوش کلام و حمزه نژاد (۱۳۹۱) با عنوان «زیبایی شناسی مساجد در بستر سبک ها (از جلال تا لطافت)» موضوع جمال و جلال در شیوه های معماری ایران بعد از اسلام تا دوره معاصر بررسی شده است. نظم هندسی، تعادل و تقارن و دقت در جزئیات، بعنوان ویژگیهای بناهای جمال گرا تعریف شده اند که تاثیر ادراکی آنها بر

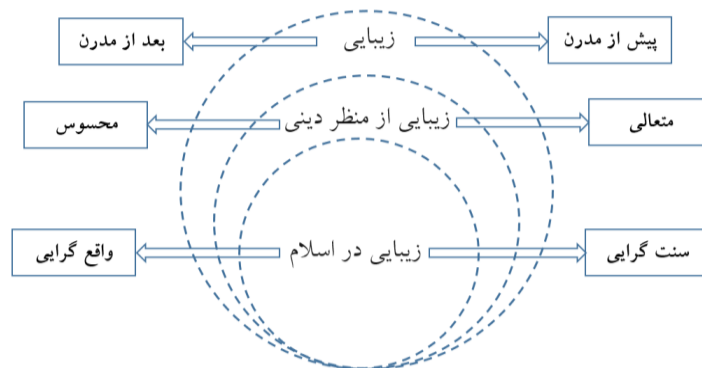
مخاطب، آرامش، خرسندی، تحسین و انس بیان شده است. از سوی دیگر، غلبه معنا بر صورت، ترکیب پیکر وار، عظمت و سطوت، پویایی، وزانت و مقیاس شکنی، کیفیات جلالی بنا هستند که حس استواری و بالندگی، خشیت توام با احترام، عشق به بقا و ابدیت و میل به بیکرانگی را در مخاطب ایجاد می کنند. بر مبنای این مقاله، شیوه خراسانی؛ جمالی، رازی؛ جمالی- جلالی، آذری؛ جلالی، اصفهانی؛ جمالی و معاصر؛ تلفیقی می باشد. (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱)

«گونه شناسی مفهومی در پرستشگاه های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان» عنوان مقاله حمزه نژاد و رهروی پوده (۱۳۹۵) است که جمالی بودن یا جلالی بودن را با معیارهای همچون نقش ورودی و فضای خارج در دعوت کنندگی نمازگزار، چیدمان فضای درون در پذیرش نمازگزار، مصالح فاخر و پرتزئین، سلسله مراتب فضایی و تنوع فضاها، بررسی نموده است. کیفیات جمالی عبارتند از: فضاها، متنوع، حداکثر تزئینات، بهره گیری از مصالح فاخر، کاشی کاری معقلی، مقرنس و خطاطی در مسجد و نقاشی به صورت داستان پردازی در کلیسا، ورودی شاخص، ارتباط محوری ورودی با محراب. در مقابل عدم تزئینات، سادگی و خلوص، بی رنگی، و ورودی فاقد تزئینات، جلوخان و عقب رفتگی و هماهنگی با بافت اطراف، کیفیات جلالی هستند. دعوت کنندگی، در بر گرفتن مخاطب و ایجاد دلبستگی در بناهای جمالی تجربه می شود در حالی که ترس و هیبت و خشوع در بناهای جلالی بر نمازگزار مستولی می شود. بر اساس این تحقیق کلیسا بنایی جمال طلب (مثال: کلیسای وانک) و کنیسه؛ جلال طلب (مثال: کنیسه موشه حیا) است و مسجد؛ میانه آن دو قرار دارد. که حسی از شکوه و جلال توام با مهربانی و صمیمیت را القا می کند. (حمزه نژاد و رهروی پوده ۱۳۹۵، ۲۴)

بنابراین دستیابی به یک مدل مشخص و منسجم از این مباحث، که در یک چارچوب نظری مدون، تدقیق شده باشد، لازم می نماید. مقاله ضمن بهره مندی از پژوهش های پیشین، برای تبیین موضوع در دو قالب مشخص ادراک و تجلی، بر آن است تا موضوع جمال و جلال در معماری را یک گام به پیش برد و معیارهای مشخصی که مستخرج از این دو مسیر است، بدست دهد.

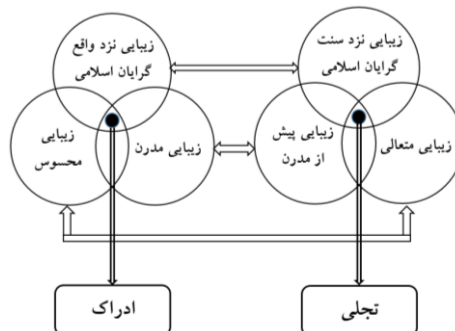
چارچوب نظری، در آمدی به موضوع زیبایی

برای تدوین یک چارچوب نظری قابل اتکا، در این بخش تنها به جنبه های محدودی از موضوع زیبایی پرداخته می شود که در تبیین مقولات جمال و جلال کاربرد دارند و دامنه پوشش آن، تنها بخش بسیار کوچکی از موضوع زیبایی است. برای این مهم سه رویکردِ دوگانه به زیبایی انتخاب شده اند که به رغم خاستگاه های متفاوت، در بسیاری موارد می توان آنها را متناظر با یکدیگر دانست. این سه رویکرد عبارتند از: زیبایی قبل از مدرن و بعد از مدرن، زیبایی متعالی و محسوس و زیبایی نزد سنت گرایان و واقع گرایان.



نمودار ۱: رویکردهای دوگانه به زیبایی (منبع: نگارندگان)

این سه رویکرد غالب به رغم تفاوت های ماهوی، دوگانه هایی متناظر و دارای وجوه مشترک و همپوشانی بسیار هستند. هنر قبل از مدرن، هنر متعالی و هنر نزد سنت گرایان اسلامی (که گزاره هایی متفاوت ولی دارای اشتراکات بسیار هستند)، در جستجوی ریشه های معنایی و مفاهیم نهفته در اثر هستند و هنر مدرن، هنر محسوس و هنر نزد واقع گرایان اسلامی بعنوان نقطه مقابل گزاره های قبلی، زیبایی را امری ادراکی می دانند. مهمترین وجهی که از اشتراک سه گزاره اول استخراج می شود مفهوم «تجلی» است و وجه مشترک سه گزاره دوم مفهوم «ادراک». در رویکردهای اول، زیبایی «تجلی» امری متعالی و حقیقتی ازلی است که از جهان معنا به جهان صورت؛ متعین و متجلی گشته است. اما در رویکردهای دوم، زیبایی شان وجودی دارد که ملموس، عینی و قابل شناخت با قوای ادراکی است. افلاطون، هگل و هایدگر در اندیشه غربی و اندیشمندانی چون نصر، بورکهارت، بلخاری، کوماراسومی و شوان در اندیشه اسلامی، از طرفداران نظریه اول هستند و افرادی چون کانت، بوگارتن، ابن سینا و ابن هیثم زیبایی را در وجوه ادراکی اثر جستجو نموده اند.



نمودار ۲: استخراج وجه مشترک سه رویکرد دوگانه به زیبایی (منبع: نگارندگان)

بنابراین سه گانه «قبل از مدرن و مدرن»، «متعالی و محسوس» و «سنت گرایی و واقع گرایی» به دو رویکرد کلی «تجلی»-محور و «ادراک»-محور می رسد. زیبایی و مقولات زیبایی شناسانه ای همچون جمال و جلال ذیل این دو دیدگاه کلی، قابل تبیین هستند. نخست آنکه واجد چه معانی و مفاهیمی هستند که در معماری «متجلی» می شود و دوم اینکه چه تاثیری بر نظام ادراکی مخاطب می گذارند.

در مطالعه ادبیات موضوع، بویژه در رویکرد سنت گرایان، جمال و جلال به طور مشخص و متقن، ذیل مفهوم تجلی آورده شده اند، بطوری که واژگان جمال و جلال هرگز بدون واژه تجلی بکار نرفته اند. از سوی دیگر جمال و جلال

از دیدگاه ادراکی و تاثیرات آن بر انسان نیز مورد نظر پژوهشگران بویژه ادراک گرایان بوده است. بنابراین در این پژوهش، واکاوی مفاهیم جمال و جلال، در چارچوب دوگانه فوق انجام می گیرد.

صفات یا مقولات زیبایی شناسانه

انسان بطور مداوم به داوری ذوقی جهان اطراف خود می پردازد و همواره احکامی برای آنها صادر می کند. صفاتی چون مخملی، شیرین، تامل برانگیز، با شکوه، ملیح، مفاهیمی زیباشناختی که کیفیتی «ادراکی» دارند. این موارد تحت عنوان «مقولات»، «کیفیات» یا «صفات» زیباشناختی شناخته شده اند. جمال و جلال نیز نزد اندیشمندان اسلامی ذیل این تقسیم بندی قرار گرفته اند. زمانی که تحقق عینی می یابند، تاثیرات متفاوتی بر انسان می گذارند، اما بدلیل داشتن ریشه های معنایی، تماما ادراکی نیستند. پیشتر گفته شد که وجه مفهومی آنها درون موضوع تجلی قرار گرفته است در حالی که جنبه های زیبایی شناختی آنها در مفهوم ادراک قابل تبیین است.

مقولات زیبایی شناسی جدول کلارک (از فرانک سیبلی)^۲

یکی از مهمترین کسانی که به تبیین مفاهیم زیبایی شناختی پرداخته است، فرانک سیبلی است. وی با تمایز قائل شدن این مفاهیم زیباشناختی با مفاهیم نازیبا شناختی از قبیل قرمز، پر سر و صدا، مربع، منحنی؛ که نیازمند به بکار بردن نیروی ذوق نیستند، به تبیین آنها می پردازد.

از نظر سیبلی ویژگیها یا مفاهیم نازیباشناختی ویژگیهایی هستند که درک و تشخیص و به کار بردن آنها فقط نیازمند دخالت حواس و هوشی معمولی است (Sibley 1956). «قرمز، پر سر و صدا، بد طعم، خیس، مربع و منحنی»، از این نوع هستند. اما در مقابل ویژگیهایی مانند با وقار، آرام، تاثیربرانگیز؛ هستند که تشخیص آنها نیازمند بکار بردن ذوق، ادراک یا حساسیت است (Sibley 2001, 1). سیبلی چنین توصیفاتی را توصیفات زیباشناختی^۳ یا احکام زیبا شناختی^۴، و ویژگیهایی که در این توصیفات به آثار هنری نسبت داده می شود را، ویژگیها یا مفاهیم یا عبارات زیباشناختی یا ذوقی می نامد. برای مثال صفات متعادل، متین، تنش برانگیز؛ عباراتی زیباشناختی هستند (کاشفی ۱۳۹۲، ۴۷).

«رافائل د کلارک»^۵ صفات زیبایی شناختی که سیبلی در آثارش بکار برده است را در مقاله «ساختار ویژگیهای زیباشناختی»^۶ به تفصیل بیان نموده است که در جدول زیر بیان می گردند:

جدول ۱: جدول کلارک، صفات زیبایی شناختی از نظر نویسندگان و صاحب نظران مختلف (منبع: De Clarq 2008, 895 ترجمه نگارندگان)

سیبلی:	یکدست و متحد، متعادل، یکپارچه، بی روح، آرام و صاف، تیره و گرفته، پویا، قدرتمند، رنگارنگ، ظریف، متحرک، احساساتی، غم انگیز، خوش ترکیب و زیبا، دلپذیر، قشنگ، جذاب، خوش ساخت، خیره کننده و پرزرق و برق، غم انگیز، دقیق، دوست داشتنی، خوشگل، زیبا، مجلل، باشکوه، بی نظیر، شکوهمند، عظیم، سست، ضعیف، بی رنگ و رو یا بی جان، درازو باریک، بی حال، کم رنگ یا کم نور، بی روح، شاد، روشن یا آتشفشان، محکم، خشن، نا آرام، براق، آشفته، یکنواخت، زنده و شاد، منسجم، پر ایهت، زشت، عالی و بی نقص، خوب
--------	--

² Frank Sibley

^۳ Aesthetic Discrimination

^۴ Aesthetic Judgment

^۵ Rafael De Clercq

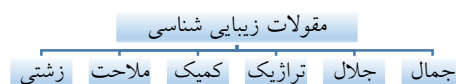
^۶ The Structure of Aesthetic Properties

زیبا، زشت، بد ترکیب، بی روح، متعادل، خوشترکیب، فشرده، خوش اخلاق، غمگین، عصبانی، شاد، آرام، قوی، ههیجان انگیز، سرگرم کننده، خنده دار، خسته کننده، بیحال، سرزنده، شاد، واقعگرا، بدشکل، حقیقی، پراز اشتباه، رنگارنگ، مات، آرام، سخت، درخشان، اقتباسی، اصلی، پرجرئت، جسور، محافظه کار	گلدمن ^۷ : ارزش زیبایی شناختی و استیکر ^۸ : زیبایی شناختی و فلسفه هنر
پر زرق و برق، خوش ترکیب، هماهنگ، سرزنده، عصبی، غمگین، هیجان انگیز، تیره، آرام، پرابهت، شاد، خوشحال، جسور، شکوهمند، عظیم، منسجم، دل انگیز، مرموز، زیبا، یکدست، اندوهگین، بی نظم، بی مهارت، قدرتمند، جالب توجه، متحرک	هرمرن ^۹ :
خوش ترکیب، تیره، نگران، تیره، افسرده، زنده، جسور، موقر، متکبر، یکدست، متعادل، دقیق، آشفته، براق، بدسلیقه، پرزرق و برق، پرطمطراق، شکوهمند، زیبا، بامزه، نگران	کارول ^{۱۰} : فلسفه هنر
زیبا، زشت، دلپذیر و مطبوع، خپل، برازنده، ظریف، متعادل، گرم و صمیمی، پرشور، نگران کننده، آزارنده، غمگین	ژانگویل ^{۱۱} :
زیبا، زشت، شکوهمند، خوش ترکیب، باشکوه، ظریف، هماهنگ، متعادل، یکدست، قوی، علاقه داشتن، سرزندگی، پرجوش و خروش، بذله مو، پرشور و حرارت، پرزرق و برق، براق، ناخوشایند، مضطرب، غمگین، آرام، شاد، خشن، آرام، لاغرو ترکه ای، خنده دار، خیره کننده، سست و بیحال، افسرده یا مالیخولیایی، احساساتی	لویسون ^{۱۲} : زیبایی شناختی فلسفی
متعادل، یکدست، پویا، بی ثبات، امپرسیونیست، فائوویست، کوبیست، فوتوریست یا آینده گرا، زیبا، زشت، دوست داشتنی، شهوت انگیز، خپل، نا آرام، بهت آور، ظریف، نگران یا دلواپس، غمگین، ماتمزده، شاد، مطمئن یا دلگرم، خوش قلب، زیبا، پرزرق و برق	لویسون: ویژگی های زیبایی شناختی

مقولات زیبایی شناختی عرفان اسلامی

طبقه بندی و ارزش گذاری برای این مقولات در عرفان اسلامی نیز، به شیوه های گوناگون انجام شده است و دسته بندی های مختلفی توسط اندیشمندان انجام شده است. گروه بندی نخست آنها را به چهار مقوله تقسیم می کند: ۱- جمال ۲- جلال ۳- تراژیک (حزن)^{۱۳} - کمیک (طنز)^{۱۴} و گروه بندی دیگری دو مقوله به آنها افزوده است: ۵- ملاحه^{۱۵} ۶- زشتی^{۱۶} (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱).

بنابراین اندیشمندان اسلامی شش مقوله زیبایی شناسی را برای تبیین و تفسیر آثار هنری بکار برده اند.



نمودار ۳: تقسیم بندی شش گانه مقولات استحسانی (زیبایی شناسی) (منبع: خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱)

اما مهمترین تقسیم بندی ای که از مقولات چندگانه فوق در عرفان و زیبایی شناسی اسلامی وجود دارد، همان تقسیم بندی دو گانه «جمال و جلال» است. «دو گانه ای» که همواره در زیبایی شناسی آثار هنری اسلامی و بویژه

⁷ Alan H. Goldman

⁸ Stecker

⁹ Goran Hermeren

¹⁰ Noel Carroll

¹¹ Nick Zangwill

¹² Jerrold Levinson

¹³ Tragic

¹⁴ Comic

¹⁵ Graceful

¹⁶ Agliness

معماری مورد نظر بوده است و بعنوان موضوع اصلی این پژوهش، ابتدا خاستگاه و چیستی این مقولات مورد تحقیق قرار می‌گیرد و سپس چگونگی تحقق آنها در معماری بیان می‌شود.

واژه‌شناسی جمال و جلال

جمال به فتح اول در لغت به معنی خوب صورت و نیکو سیرت گردیدن و خوبی و خوب شدن و ضد ضلال است. جمال نزد اهل لغت به معنای حسن و خوبی در مخلوقات خداوند و خلق آدمی است (عارف میناآباد ۱۳۹۱، ۹۴). جلال به فتح اول در لغت به معنی بزرگی و بزرگواری است؛ و در اصطلاح، از صفاتی است که تعلق به قهر و غضب دارد. و نیز به معنای بزرگی قدر و جلال، بر نهایت بزرگی قدر و شأن دلالت می‌کند (عارف میناآباد ۱۳۹۱، ۹۳).

جدول ۲: واژه‌شناسی جمال و جلال (منبع: نگارندگان)

جلال	جمال	
احتشام، بزرگی، جاه، جبروت، حشمت، شوکت، عظمت، فر، فره، کبریا، شکوه، والایی، بزرگی	حسن، خوشگلی، صباحت، قشنگی، نیکویی، وجاهت، زیبایی، خوشگلی،	واژگان مترادف
بزرگی، عظمت، حشمت، جاه، شکوه	زیبا بودن، نیک بودن، پسندیده بودن، زیبایی	فرهنگ معین
بزرگی، بزرگواری، عزت و شکوه	زیبایی، نیکو صورتی، حسن صورت، خوشگلی	فرهنگ عمید
بزرگی، کلانی، عظمت، بزرگواری، سرافرازی، جاه، بلندی رتبه، قدرت، قوت، شوکت، رونق، عزت، هیبت، وحشت	خوب صورت و نیکو سیرت گردیدن، زیبا بودن، نیکویی، زیب، زیبایی، خوبی صورت و سیرت، خوش صورتی، زیبایی، اورنگ، افزنگ	فرهنگ دهخدا

جمال و جلال در قرآن، تفسیر و احادیث

بطور مستقیم واژه جلال دو بار در قرآن کریم، در آیات ۲۷ و ۷۸ سوره الرحمن بکار رفته است و واژه جمال یک بار در آیه شش سوره نحل.^{۱۷} مفسران، ذوالجلال را صاحب عظمت و کبریا، دارای رحمت و بخشش دانسته اند. به تعبیر ابن عربی جلال نعمتی است که در دل‌ها هیبت و تعظیم ایجاد می‌کند و همراه شدن با اکرام؛ بنده را از یاس از خداوند به دور می‌دارد (عارف میناآباد ۱۳۹۱، ۹۵). بدینسان خداوند واجد صفات دوگانه ایست که جذب و دفع را تومآن در خود داراست. بارزترین مصداق این صفات دوگانه، مقوله‌های جمال و جلال هستند. در سخنی از پیامبر اکرم (ص) درباره این عبارت، جلال نام بهشتی است که بر عرش محیط است و فاصله آن با بهشتی که بندگان خدا در آن قرار دارند هفتصد سال راه است. در بخشی از دعای جوشن کبیر، جمله‌ای آمده که چکیده آموزه عرفانی جلال و جمال است: «جمال تو در همه حقایق جاری است و تنها جلال توست که آن را می‌پوشاند»^{۱۸} (عارف میناآباد ۱۳۹۱، ۹۷).

جمال و جلال مظهر اسما خداوند

^{۱۷} وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (الرحمن ۲۷)، تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (الرحمن ۷۸)، وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تَرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (نحل ۶)

و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می‌ماند (الرحمن ۲۷)، بزرگوار و مبارک نام پروردگار توست که خداوند جلال و عزت و احسان و کرامت است (الرحمن ۷۸)، و زمانیکه آنها را برای چرا می‌بری و زمانیکه آنها را از چرا باز می‌گردانید برای شما جلوه و زیبایی هست (نحل ۶).

^{۱۸} جمالک فی کل الحقائق سائر و لیس له الاجلالک سائر

در بستر مفهوم تجلی، جمال و جلال تحت عنوان اسما یا نام های خداوند در مخلوقات متجلی می‌شوند. متفکران مسلمان سنتی اسما خداوند را به دو دسته اسماء جمال و اسماء جلال دسته بندی کرده اند. اسماء الجمال به مغفرت و رحمت خداوند مربوط هستند. در مقابل، آن نام هایی که به عدل، داوری و قدرت خداوند مربوطند، به جلال و جبروت خداوند اشاره دارند و از اسماء جلال اند (نصر ۱۳۸۴، ۴۹-۵۰).

جدول ۳: فهرست نام های جمالی و جلالی خداوند در متون اسلامی و صفات متعلقه آنها (منبع: نگارندگان)

نام های خداوند (اسماء)	صفات متعلقه	
اسما جمالی	الرب، السلام، المومن، الظاهر، المجید، النور، الحی، الرحمن، الرحیم، الکریم، الغفار، الغفور، الودود، الرؤوف، الحلیم، البر، الصبور، الواسع، الخالق، المصور، الرزاق، الوهاب، الفتاح، الباسط، المعز، اللطیف، المعید، المحیی، الولی، التواب، الجامع، النافع، الهادی والبدیع	حسن، جذب، معرفت، رحمت
اسما جلالی	الملك، القدوس، المهیمن، العزیز، الجبار، المتکبر، العلی، العظیم، الباطن، الکبیر، الجلیل، المتین، الصمد، المتعال، الغنی، ذوالجلال، الرقیب، القهار، القاهر، المقتدر، القوی، الحسیب، القباض، المذل، الحکم، العدل، الممیت، المنتقم، المقسط، المانع، الضار	قهر، دفع، عظمت، عزت، احاطه

معنای اصطلاحی جمال و جلال

ظهور ربوبیت الهی برای هر انسان در قالب دو گانه هایی است که از این دو صفت ناشی می شود. به طور مثال پدر مظهر جلال است و مادر مظهر جمال، شب مظهر جلال است و روز مظهر جمال. صفاتی که دیگران را مجذوب می‌کند؛ مانند علم، حیات، رحمت، جود و حسن را صفات جمال می‌گویند (حمزه نژاد و رهروی پوده ۱۳۹۵، ۲۴). از آنجا که جلال با احتجاب و عزت پیوند دارد، پی آمد آن از یک سو، قهر، غلبه، بلندی و دسترس ناپذیری اوست و از سوی دیگر، خضوع، خشوع، هیبت و هراس انسان. چنان که جمال چون با نزدیکی و آشکاری پیوند دارد، پی آمد آن از یک سو لطف و رحمت و مهر و بخشش اوست و از سوی دیگر، انس و آشنایی ما (راستگو و راستگوفر ۱۳۸۸، ۱۸۰).

تجلی صفات جلالی خداوند، کبریا، قهر و هیبت است و در مقابل انس، محبت و رحمت بیانگر صفات جمالی‌اند. صفات جمالی تجلی زیبایی، جذابیت، شادی، شوق، امید و غنا هستند (سعادت جو، حمزه نژاد و نقره کار ۱۳۹۲، ۱۷). شخصیت صفت جمال، هویت هایی چون لطف، رضا و رحمت را بر ملا می‌نماید و شخصیت نماد جلال، ویژگی قهر، غضب، عزت، عظمت و نقمت را بیان می‌کند (رهنورد ۱۳۸۶، ۸۹). «جلال به معنای بزرگی و بزرگواری و در اصطلاح، از صفاتی است که به قهر و غضب تعلق دارد». «جمال به معنی خوب صورت و نیکوسیرت، خوبی و خوب شدن است و به رضا و لطف تعلق دارد» (حمزه نژاد و خراسانی ۱۳۹۱، ۱۱۲).

جمال و جلال در مقولات جدول کلارک

اکنون با شناخت ویژگی های جمال و جلال می‌توان آنها را با معیارهای جهانی در حوزه زیبایی شناختی مقایسه نمود و مشترکات را استخراج کرد. یکی از مهمترین دسته بندی های مقولات زیبایی شناختی که در بخش های پیشین به آن اشاره شد، توسط «رافائل د کلارک» تحت عنوان «جدول کلارک» ارائه شده است. در آن طیف وسیعی از کیفیات و صفات زیبایی شناختی بیان شده است که می‌توان با تعاریف صورت گرفته برخی از آنها را جمالی و بعضی را جلالی، دانست.

جدول ۴: استخراج صفات جمالی و جلالی از ویژگی های زیبایی شناختی جدول کلارک (منبع: نگارندگان)

مقوله زیبایی شناختی	صفات زیبایی شناختی مرتبط
جمالی	زیبا، ظریف، دلپذیر، جذاب، قشنگ، خوش ترکیب، دلریا، شکیل، طرب انگیز، آرام و متین
جلالی	باشکوه، شکوهمند، خیره کننده، بهت آور، پویا، قدرتمند، عظیم، محکم، پرابهت، سخت، پرجرات، جسور، متکبر، قوی و عجیب و غریب

جمال و جلال در معماری

معماری یکی از مهمترین عرصه های تحقق جمال و جلال است که هم از حیث معنا (تجلی) و هم از نظر تاثیرات بر مخاطب (ادراک) قابل بررسی است. جمال و جلال آنگاه که در یک اثر معماری متجلی می شوند، از یک سو بازتاب اندیشه های غالب یک دوران هستند و از دیگر سو با کیفیات متفاوتی که در فضا ایجاد می کنند، القا کننده احساس متفاوتی نیز هستند.

هنرمند مسلمان در دیدی جامع نگر خداوند را در دو وجه جمالی و جلالی دریافته است، گاه خود را مقهور علو و عظمت پروردگار می پندارد و گاه خود را در دامن پر مهر لطف او می افکند. معماری دوران اسلامی نیز در سایه این نگرش جامع محل تلاقی و همراهی این صفات است، صورت هایی از جلالت تا لطافت (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱).

در تاریخ هنر و معماری اسلامی، جمال و جلال همواره مطرح بوده و حتی تلاش شده است توضیح داده شود که چرا بر معماری دوره ای روح جمالی سیطره داشته و هنر و دید زیبایی شناسانه دوره ی دیگری؛ کشش به سوی صور جلالی داشته است (جعفری و انصاری ۱۳۹۴، ۱۱). کوارنوس^{۱۹} در رابطه با مقوله های جمال و جلال در هنر و زیبایی شناسی می گوید: با مقوله جلال، زیبایی باطنی بیان می شود و با جمال زیبایی بیرونی (ملاصالحی ۱۳۷۷، ۲۴). معماری اسلامی با تکیه آموزه های اسلام توانسته هر یک از صفات جمالی و جلالی را به مقتضای مکانی اش، ایجاد کند. (جعفری و انصاری ۱۳۹۴، ۱۲)

ابن عربی در فتوحات مکیه اعلام می کند که حق هرگز در صفت جلال خود برای بندگان متجلی نمی شود؛ زیرا حضرت جلال دارای انوار محرقه است، بلکه تجلی او همواره در جلال جمال است. (ابن عربی ۱۳۸۴) ویژگی بارز هنر عهد اسلامی همراهی و همسویی صورت های فوق است. به این معنی که در برخورد با صورت های جلالی آدمی متوقف و متحیر شده، صور جمالی او را قرین آرامش می سازند. (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱)

جمال

صورت های جمالی بیشتر بر جزئیات و ظاهر تاکید دارند و بواسطه تناسبات ریاضی و نظم هندسی، شناسایی می شوند. به تعبیر علامه جعفری معنای زیبایی و جمال، حقیقتی است که در برابر آدمی بر نهاده می شود و موجب تحریک شهود و ذوق و یا احساس خاص زیبایی می گردد و یا در وضع روانی آدمی انبساطی به وجود می آورد (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱). نمود کالبدی صفات جمالی در مساجد می تواند به صورت همنشینی با مخاطب، دعوت گری و شادی انگیزی باشد. (سعادت جو، حمزه نژاد و نقره کار ۱۳۹۲، ۱۷). ویژگی های بارز صور جمالی که آن را

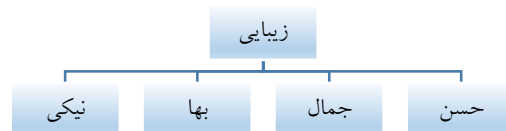
^{۱۹} C.Cavarnos

دیگر صور باز می نمایند، عبارتند از: دقت ریاضی و نظم هندسی، ایستایی، دقت در جزئیات. (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱).

مهمترین تعبیری که از جمال شده مفهوم حسن است که ذیل مفهوم تجلی محوری ترین بحث زیبایی شناسی در عالم اسلام قرار می گیرد. حتی برخی اندیشمندان جمال را عین حسن دانسته اند.

در دریافت معنای زیبایی در لغتنامه دهخدا به «نیکویی و خوبی» اشاره شده است و یا زیب و بهاء و حالت و کیفیت زیبا را عبارت از نظم و هماهنگی می داند که عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و آن را امری نسبی می داند. همچنین در ادبیات فارسی نیز از تعبیر زیبایی در معنای «حسن» استفاده فراوان شده است. بطوری که در مجموعه غزلیات «حافظ»، واژه «زیبایی» به طور عام وجود ندارد و هر جا این معنا مورد استفاده بوده است، واژه «حسن» بجای آن آورده شده است (قائمی فر ۱۳۹۵، ۳۸). «در آثار سهروردی و غزالی و دیگر عرفا نیز نیکویی دقیقاً در ترجمه حسن به کار رفته است. جمال، حسنی است که ظاهر و بارز شده و در اعیان موجودات تجلی پیدا کرده است» (تقوایی ۱۳۸۱، ۴).

در حدیثی از پیامبر نقل شده که فرمود: «خداوند احسان را بر هر موجودی فرض و واجب کرده است»^{۲۰}. به یک معنا یعنی خدا زیبایی را برای هر موجودی فرض کرده که همه حسن یا زیبا باشد و این زیبایی خود، در حقیقت تجلی جمال حق است. به همین دلیل است که در متون عرفانی هر کجا راجع به حسن سخنی گفته شده، بحث وجه الله است؛ مثلاً در کتاب فتوحات مکیه ابن عربی^{۲۱}، بحث درباره زیبایی و حسن موجودات در ذیل مطلبی به نام «وجه الهی» و «جمال الهی»، طرح شده است (پازوکی ۱۳۹۶، ۳۲). بدینسان در اصطلاح شناسی موجود در آثار عرفانی، لفظی که معنای زیبایی را می رساند لفظ «حُسن» است و سپس از الفاظ «جمال» و «بهاء» نیز می توان نام برد (پازوکی ۱۳۹۶، ۲۳).



نمودار ۴: اصطلاح شناسی زیبایی در عرفان اسلامی (منبع: نگارنده)

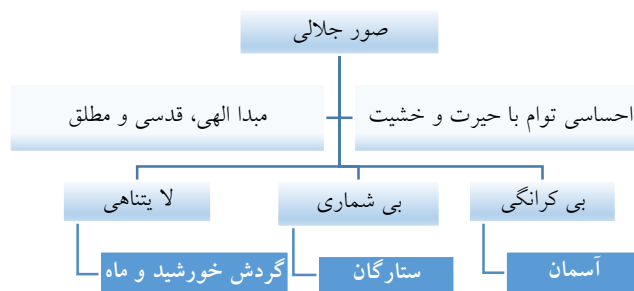
جلال

صورت های جلالی محدودیت و حقارت فضاها را شکسته، با شکوه و عظمت خود بر احساس و اندیشه مخاطب غلبه نموده و فضاهای محدود مادی را با ابدیت بی منتها پیوند می زنند و با حس خوف، خشیت، حیرت و جسارت مأنوس شدن با واقعیتی عظیم و با قدرت، توأم می باشد (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱). صورت هایی که تصور نا محدود را میسر می کنند و مفهوم بی نهایت را در مخاطب القا می کنند (Shaw 2006, 119). صفات جلالی تجلی والایی، ترس، عدم تاکید بر محبت، دوستی و مهربانی، غم، بیم، فقر، ذلت و ناتوانی است و چنانچه در کالبد بنا بر سادگی فقر و فنا تاکید شود آن بنا بعد جلالی قوی تری دارد (سعادت جو، حمزه نژاد و نقره کار ۱۳۹۲، ۱۷).

^{۲۰} إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

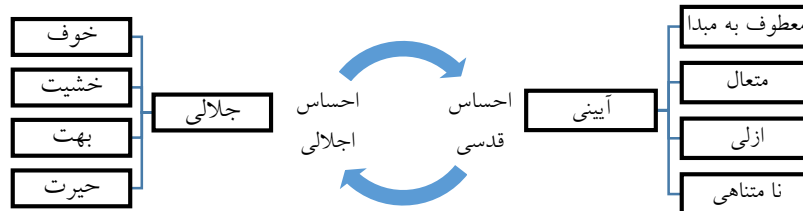
^{۲۱} فتوحات مکیه، ج ۱۲، ص ۵۶۱ و ج ۱۳، ص ۵۷.

بیکرانگی، بی شماری و لایتناهی بودن که موارد مهم بیان صور جلالی هستند، خود ریشه در مبدئی قدسی و الهی و مطلق دارند. در جهان هستی مظاهر آن، گاه در عظمت و بلندای یک موج، گاه در بیکرانگی «دریای آسمان» و چرخش و گردش پر فروغ ماه و مهر و ستارگان بی شمار؛ و با احساسی توأم با حیرت و خشیت تجربه می‌شود (ملاصالحی ۱۳۷۷، ۱۷). جلالی بودن و همراه با آن با عظمت و با ابهت بودن ویژگی بارز هنرهای قدسی است و به تعبیر ملاصالحی امر متعال خود فی نفسه جلالی است. (خوش کلام و حمزه نژاد ۱۳۹۱). رودولف اتو در کتاب مفهوم امر قدسی، این نوع ویژگی ها را نومینوس نام نهاده است که کیفیتی راز آلود و خشیت آور دارند (Otto 1923, 7).



نمودار ۵: صفات جلالی و مظاهر آنها در طبیعت (منبع: نگارندگان)

بنابراین صفات جلالی همواره با هنرهای آیینی و دینی همراه بوده اند و واژگانی همچون خوف، خشیت و خوف اجلالی، که برای بیان احساس یا نوعی تجربه دینی بکار رفته اند، در مفهوم جلال مستتر اند.



نمودار ۶: رابطه احساس قدسی و جلالی (منبع: نگارندگان)

بدینسان جلال با نوعی ترس مقدس و دینی، که البته خوشایند و تزکیه بخش است، همراه می‌باشد. تجربه ای عمیق و باطنی که در مواجهه با مبدا قدسی و الهی بدست می‌آید و با آنچه که هنر و معماری امروز تحت عنوان ترس و خشونت نمود پیدا کرده است، کاملاً متفاوت است.

ادموند برک در توصیف امر والا به طریقی مشابه ترس را اصل اساسی امر والا می داند. مقدمه بنیادین برک این است که ترس وقتی که خیلی نزدیک نشود لذت آفرین است. (Burk 1998) همانگونه که ژان دلمون، از مورخان تاریخ دین، در پژوهش جامعش درباره ترس و گناه در فرهنگ غربی از قرن سیزدهم تا قرن هجدهم می‌نویسد؛ ترس، هم یک جنبه ویرانگر دارد هم یک جنبه سازنده؛ ترس هم می تواند شما را زمین بزند هم میتواند دریچه تازه و بهتری به روی جهان و رابطه‌تان با آن بگشاید (Delumeau 1990, 555). لیوتار از توهم در زمانه معاصر سخن می گوید. یک توهم استعلایی که بهای آن وحشت است و قرون نوزدهم و بیستم ما را به حد اشباع از وحشت رسانیده‌اند. (Lyotard 1992, 15-16)

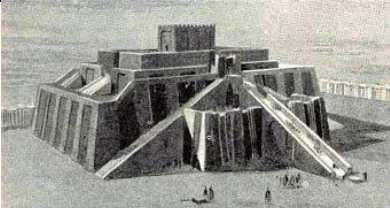
جدول ۵: مقایسه چگونگی تجلی و تاثیر جلال در هنر سنتی و ترس در هنر معاصر (منبع: نگارندگان)

هنر عصر کهن	هنر عصر جدید
-------------	--------------

ایمان و تدین	شناخت و تمدن
هنرهای آیینی و قدسی	هنرهای غیر الهی و غیر قدسی
تجربیات عمیق انسانی در نسبت با مبدا قدسی و الهی	زیبایی شناسی زشتی، قهر، قساوت و خشونت
شکوهمند، با وقار، وزین، با متانت	صور قهرآمیز، زشت
احساس پالایش، صفای باطن، حس زیستن	آشفته‌گی، اضطراب و اغتشاش ذهن و روح

بنابراین صور جلالی احساس و انگیزشی خاص در مخاطب ایجاد می کنند که اگر چه با نوعی از رعب همراه است ولی خوشایند و مطلوب است، همچنان که با التذاذ ناشی از صور جمالی نیز متمایز است. با توجه به اینکه جلال در هنر دینی و آیینی تحقق بیشتری یافته است، بناهای مذهبی شاخص و ماندگار هر عصر وجه جلالی حق را از طریق معیارهای بسیاری متجلی ساخته اند. معیارهای همچون تقابل عناصر متضاد، سیطره بخشی بر بخش دیگر و حدّت و برجسته نمایی، که به خوبی در معماری محقق شده اند. در آثار باقیمانده از جهان باستان، بویژه آثاری که ریشه های آیینی بیشتری داشته اند، مظاهر جلالی بسیاری قابل بازشناسی هستند. از نقاشی های دیواره غارهای عصر دیرینه سنگی، بناهای دوره نوسنگی تا اهرام مصر، تجلی جلالی قابل توجه است.

جدول ۶: چگونگی تعیین جلال در برخی آثار جهان باستان (منبع: نگارندگان)

اثر	ویژگی های تعیین جلالی	تصویر
مجسمه ویلندورف	مرموز، نیروی عظیم زاینده‌گی، قدرت پر هیبت عنصر الهی زنانه	
دهکده چتل هیوک	دیوار نگاره های کرکس، نیروی عظیم خوف انگیز و مرگ اور الهه مادر، اجساد کوچک و بی سر انسان مقابل منقار کرکس ها، تقابل عناصر متضاد: کوچک کردن اجساد و برجسته نمودن کرکس ها	 تصویر شماره ۱: دیوار نگاره های چتل هیوک (منبع: www.alamy.com)
اهرام مصر	بلندی و استواری قامت اهرام بر پستی و خمیدگی دشت	 تصویر شماره ۲: اهرام مصر (منبع: https://lastsecond.ir)
زیگورات های ایلامی و بین النهرینی	عظیم، مرموز، مقیاس فرا انسانی، ستبر و استوار	

تصویر شماره ۳: زیگورات اور (منبع: www.goldenageproject.org.uk)	
--	--

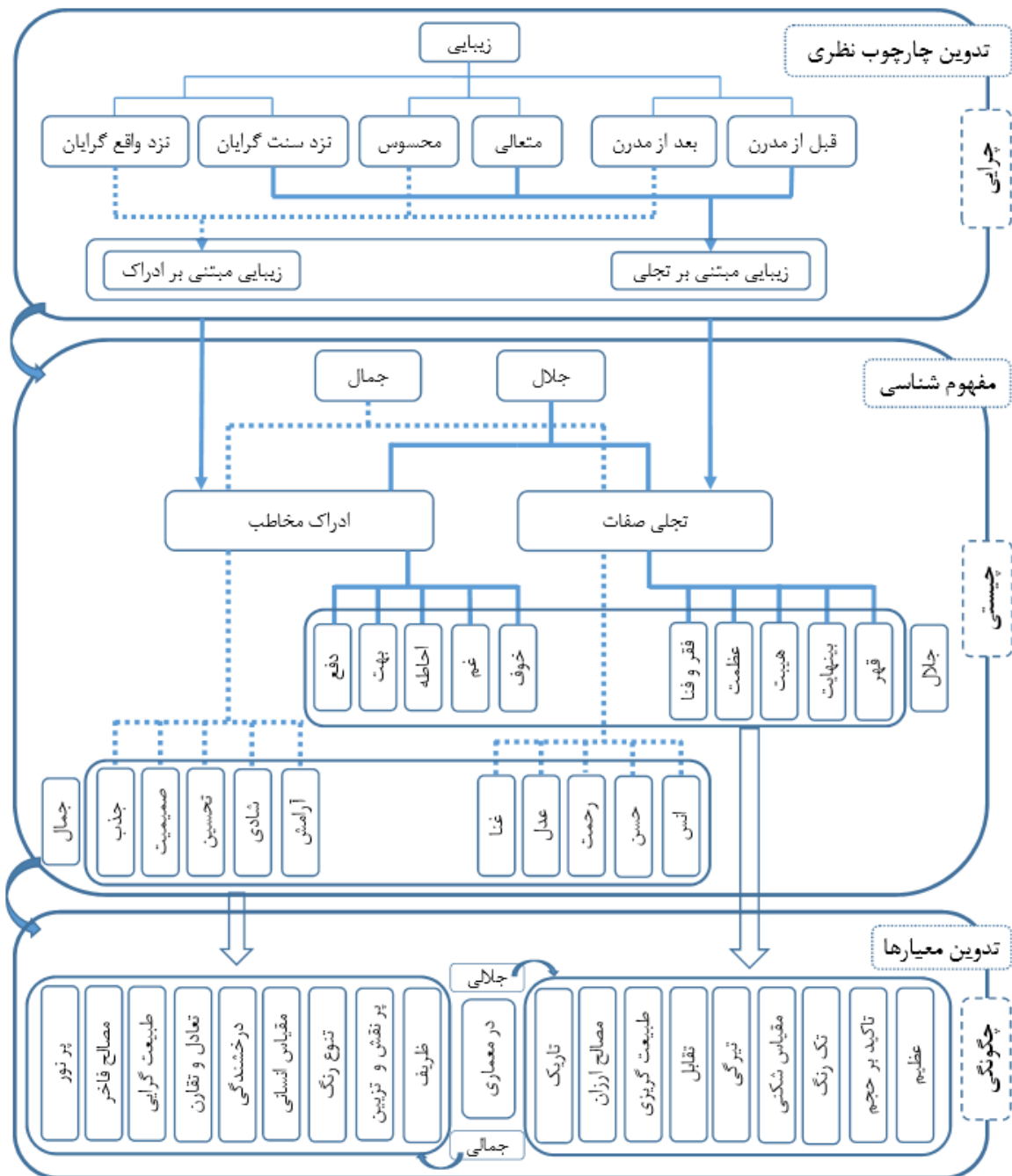
همچنین بسیاری از نمونه های معماری اسلامی ایران نیز، عرصه مناسبی برای ظهور مفهوم جلال شده اند. این تحقق در معماری، بواسطه مولفه های کالبدی خاص هر بنا و فضایی که ایجاد می شود، بسیار ملموس تر از سایر هنرها، صورت گرفته است.

جدول ۷: تحقق جلال در برخی نمونه های معماری اسلامی ایران (منبع: نگارندگان برگرفته از ملاصالحی ۱۳۷۷)

بنا	بخش	ویژگی جلالی	
مسجد امام اصفهان	گنبد خانه	حرکات موج و اوج گیرنده به مرکز گنبد تقابل تضادها (عمق و ارتفاع، کثرت و وحدت، متناهی و نامتناهی) ترکیب زنده و انداموار تداعی بی نهایت شکوهمند و پر وسعت	تصویر شماره ۴: گنبدخانه مسجد امام اصفهان (منبع: blog.safarme.com)
مسجد جامع یزد	سردر	سیطره ناگهانی و غیرقابل انتظار بخشی بر بخش های دیگر قرار گرفتن در برابر یک عظمت	تصویر شماره ۵: مسجد جامع یزد (منبع: saeedsun.ir)
گنبد قابوس	گنبد خانه	تقابل استواری، وقار و قامت بلند در برابر دشت های پست و فراخ گنبد و گرگان تقابل خطوط افقی و عمودی حجم ساده و شکل نیرومند ارتفاع زیاد یکتایی بنا عاری از تزئینات	تصویر شماره ۶: گنبد قابوس (منبع: www.tasnimnews.com)

نتیجه گیری

نتایج مقاله برای دستیابی به اهداف، پاسخ به سوالات و اثبات فرضیه ها، در سه مقطع کلی چرایی، چیستی و چگونگی، قابل تبیین هستند. نتایج مشتمل بر تحلیل و تبیین جایگاه جمال و جلال در گستره مفهوم زیبایی، چیستی و مفهوم شناسی آنها و در نهایت چگونگی تحقق شان در معماری، هستند. این مسیر در قالب مدل زیر ارائه شده است.



نمودار ۷: مدل نهایی مقاله، تدوین چارچوب نظری، مفهوم شناسی و دستیابی به معیارها در معماری (منبع: نگارندگان)

در یک جمع بندی کلی می توان مباحث را بدین شرح خلاصه نمود. تبیین و تعلیل موضوع، از سه گانه «قبل از مدرن و مدرن»، «متعالی و محسوس» و «سنت گرایی و واقع گرایی» به دو رویکرد کلی «تجلی» محور و «ادراک» محور می رسد، که جمال و جلال ذیل این دو دیدگاه کلی هم از حیث محتوا و هم از نظر تاثیر بر مخاطب قابل تحقیق می باشند. در مفهوم شناسی جمال و جلال دو گزاره که به «چیستی» موضوع مربوط می شوند، بدست آمد.

نخست آنکه جمال و جلال واجد چه مفاهیمی هستند و چه بار معنایی در پس آنها نهفته است که در هنر و معماری «متجلی» می‌شود و دوم اینکه چه تاثیری بر نظام ادراکی مخاطب می‌گذارند. بخش دیگری از مباحث مطرح شده جستجویی بود به پرسش اصلی، یعنی «چگونگی». اینکه مفاهیم جمال و جلال در هنر و بطور خاص در معماری اسلامی چگونه محقق می‌شوند. جمال تجلی صفاتی از قبیل انس، حسن، رحمت، عدل و غناست و در نظام ادراک مخاطب؛ آرامش، شادی، تحسین و صمیمیت را به همراه دارد. فضاهای جمالی روشن، پر نور، پر تزیین، ملون و فاخرند. در مقابل جلال تجلی صفاتی چون قهر، هیبت، عظمت، فقر و فنا است و باعث برانگیختن احساس خوف، غم، بهت، احاطه و دفع در نظام ادراکی مخاطب می‌شود. در معماری می‌تواند در فضاهایی تاریک، عظیم، تک رنگ، صلب و تیره محقق شود.

پژوهش‌های از این دست می‌تواند به آفرینش فضاهایی منجر شود که معانی ژرف بناهای اصیل معماری اسلامی را که در سایه بینش پوزیتیویسم حاکم، به فراموشی سپرده شده است، احیا نماید. همچنین احساس خاصی که هر فضا باید ایجاد کند و تاثیری که بر نظام ادراکی مخاطب بگذارد، مبتنی بر یک بنیان نظری باشد. بدینسان هر اثر معماری بتواند به اقتضای خواست طراح و اتمسفر مورد نیاز طرح، کیفیتی جمالی یا جلالی داشته باشد و مخاطب را در وضعیتی از پیش خواسته شده قرار دهد. همچون برانگیختگی احساسی که از حضور در فضاهای معماری گذشته ایجاد می‌شود.

منابع

کتاب‌ها:

- ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۴)، فتوحات مکیه، ترجمه محمد خواجه‌ای، تهران: مولی.
- پازوکی، شهرام (۱۳۹۶)، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، تهران: فرهنگستان هنر.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات طرح نو.

مقالات:

- پاکزاد، زهرا (۱۳۹۰)، «نقش دیوان و موجودات اهریمنی در نگاره‌های شاهنامه رشیدا»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۲۲.
- تقوایی، ویدا (۱۳۸۱)، «از جمال‌شناسی تا زیبایی‌شناسی، هنرهای زیبا»، دوره ۱۱، شماره ۱۱.
- جعفرمحمدی، سمانه و مجتبی انصاری (۱۳۹۴)، «زیبایی‌شناسی (کمال و جمال) در معماری»، دومین همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری. ارومیه: کانون سراسری انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران، https://www.civilica.com/Paper-NSIA02-NSIA02_127.html
- حمزه نژاد، مهدی و ساناز رهروی پوده (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان»، پژوهش‌های معماری اسلامی، سال ۴، شماره ۱۱.
- حمزه نژاد، مهدی و صبا خراسانی مقدم (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال»، مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۲.

-خدیور، هادی و رجب توحیدیان (۱۳۹۰) «تجلی جمال و جلال در دیوان حافظ»، بهارستان سخن، سال هفتم، شماره ۱۷.

-خوش کلام، فرشته و مهدی حمزه نژاد (۱۳۹۱) «زیبایی شناسی مساجد در بستر سبک ها (از جلالیت تا لطافت)»، همایش بین المللی دین در آیینه هنر، همدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، https://www.civilica.com/Paper-ICRMA01-ICRMA01_032.html

-راستگو، سید محمد و سید فرید راستگوفر (۱۳۸۸)، «جمال جلال و جلال جمال، پژوهشی قرآنی، عرفانی، ادبی»، مطالعات عرفانی، شماره ۱۰.

-رهنورد، زهرا (۱۳۸۶)، «جلوه های جمال و جلال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف»، هنرهای زیبا، شماره ۲۹.

-سعادت جو، پریا، حمزه نژاد، مهدی و عبدالحمید نقره کار (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر سیر مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره های چهارگانه معماری ایرانی»، شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۳.

-شایسته فر، مهناز (۱۳۸۵)، «جلال در جمال، تأثیر سیره پیامبر بر هنر نگارگری و معماری»، خردنامه همشهری، شماره ۱۱.

-عارف مینا آباد، راهب (۱۳۹۱)، «صفات جمال و جلال از منظر کلام و عرفان اسلامی»، جبل المتین، پیش شماره ۲.

-قائم فر، شقایق (۱۳۹۵)، «الگوی زیبایی شناسی در معماری بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی»، شباک، دوره ۲، شماره ۶.

-کاشفی، محمد صادق (۱۳۹۲)، «گذار زیبایی شناسی از امر زیبا به ورطه مفاهیم زیباشناختی»، کیمیای هنر، شماره ۷.

-ملاصالحی، حکمت الله (۱۳۷۵)، معماری و صور جلالی، کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۱۲۹.

-ملاصالحی، حکمت الله (۱۳۷۵)، معماری و صور جلالی، کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۱۳۰ و ۱۳۱.

-ملاصالحی، حکمت الله (۱۳۷۷)، صور جلالی در معماری اسلامی ایران، فارابی، شماره ۲۹.

-ملاصالحی، حکمت الله (۱۳۸۵)، مقوله زیبایی شناسی ظرافت و برخی از صور آن در هنر دوره صفویه، گلستان هنر. شماره ۵.

پایان نامه:

-سلیمیان، ندا (۱۳۹۱)، «تجلی صفات جلالیه و جمالیه ی خداوند در نقوش مسجد جامع عباسی (مسجد امام-مسجد شاه) اصفهان»، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، استاد راهنما: محمدرضا شریف زاده، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران.

منابع انگلیسی:

-Burk, Edmund (1998), A Philosophical Inquiry into the Origins of our Ideas of Sublime and Beautiful, Oxford

- De Clercq, Rafael (2008), "The Structure of Aesthetic Properties". *Philosophy Compass*. Vol.3 (5). Blackwell Publishing Ltd. pp. 895-907.
- Delumeau, John (1990), "Sin and Fear: The Emergence of Western Guilt Culture 13th-18th Centuries", trans, Eric Nicholson, New York.
- Lyotard, Jean Francois (1992), "The Postmodern Explained: Correspondence 1982-1985", Translated by don Barry (trans), Bernadette Maher, Julian Pefanis, Virginia Spate and Morgan Thomas, Minneapolis: University of Minnesota Press
- Otto, Rudolf ((1923), "The idea of the holy: an inquiry into the non-rational factor in the idea of the divine and its relation to the rational", Translated by John W.Harvey, Revised with Additions Oxford University Press, London: Milford.
- Shaw, Phillip (2006), "The Sublime", New York: Routledge, P.119
- Sibley, Frank (1965), "Aesthetic and Non-aesthetic", *Philosophical Review*, vol 74, pp. 135-159.
- Sibley, Frank (2001a), "Aesthetic Concepts", In John Benson, Betty Redfern & Jeremy Roxbee Cox (eds.), *Approach to Aesthetics – Collected Papers*, Oxford: Clarendon Press, pp. 1-23, First published in *Philosophical Review*, Vol. 68 (1959), pp. 421-450

منابع تصویر:

- <https://www.alamy.com/stock-photo-wall-art-from-a-excavated-room-known-as-the-vulture-shrine-in-the-87978451.html>
- <http://www.goldenageproject.org.uk/390.php>
- <https://lastsecond.ir/news/4500-year-old-ramp-egypt>
- <https://blog.safarme.com/culture-and-art/imam-mosque-glorious-symbol-of-iran-architecture/>
- <http://saedsun.ir/blog/2015/11/24/39742.html>
- <https://www.tasnimnews.com/fa/media/1397/01/06/1668080/photo/19>